

۶۲

گنجینه

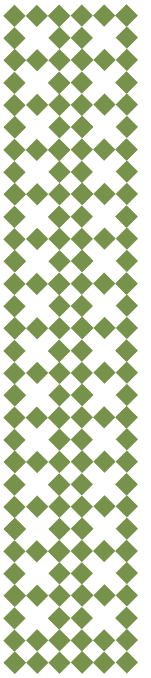
گزیده بیانات آیت الله عابدینی

در خطبه‌های نماز جمعه

۳۰ مهرماه ۱۴۰۰



سازمان مجامع فزونی



نشریه ذکر جمعه
با هدف انتشار گزیده
بیانات ائمه جمعه قزوین در
خطبه‌های نماز جمعه، هر هفته به
صورت الکترونیکی از طریق شبکه
های اجتماعی ستاد نماز جمعه
منتشر می‌گردد.
لازم به ذکر است متن بیانات ائمه
محترم جمعه، با حذف و اضافات و
ویرایش همراه است و سعی شده
است جهت مطالعه و بهره‌جویی
هرچه بهتر مخاطبین گرامی،
اهم محورها ارائه گردد.

خطبه اول

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ
الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصِطَفَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى
أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

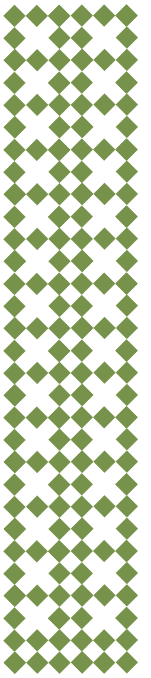
قرآن تذکره است

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ:

﴿كَلَّا إِنَّهُ تَذَكَّرٌ ﴿١١﴾ كَلَّا فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ﴿١٢﴾ وَمَا يَذْكُرُونَ
إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ﴾^١

درباره چیستی تقوا در خطبه های هفته گذشته صحبت
شد. توضیحات، عرایض و احادیثی را خدمت شما مطرح
کردم. در ادامه همان معنا از این آیات سوره مبارک
مدثر استفاده می کنیم. خدای متعال می فرماید این
قرآن «تذکره» و یادآور است. یکی از نام های قرآن
«ذکر» است. فرمود:

۱. این چنین نیست [که نامه سرگشاده ای از سوی ما به آنان رسد]. بلکه بی تردید این قرآن تذکر و هشدار است [که برای
جهانیان کافی است]. پس هرکه می خواهد، از آن پند بگیرد. از آن پند نمی گیرند مگر آن که خدا بخواهد. او سزاوار است که از وی پروا
کنند و سزاوار است که به آمرزشش امید بندند (مدثر: ۵۴ تا ۵۶).



﴿ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴾^۱

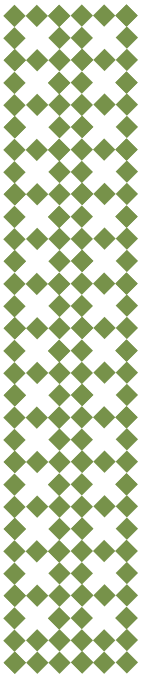
ما ذکر نازل کردیم. وقتی می‌گوید قرآن ذکر است، یعنی چه چیزی را یادآوری می‌کند؟ همان نسخه قرآنی را یادآوری می‌کند که خدا آن را در فطرت هر انسانی تعبیه کرده است. هرچه قرآن بیان می‌کند، نام و نشان و ردپای آن را قبلاً در فطرت ما قرار داده است. آیات قرآن به یاد ما می‌آوردند. وقتی می‌گوییم «صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» یعنی خدایا! آنچه در آیات و سوره‌ها [ی قرآن] قرائت کردیم، در فطرت خود هم یافتیم. چقدر این‌ها با هم انطباق و تطابق دارند.

قرآن «تذکره» است. منتها آدم‌ها باید انگیزه، علاقه و لیاقت داشته باشند تا این ذکر را دریافت کنند. آدم‌هایی بوده‌اند که هیچ لیاقت نداشته‌اند. شخص پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ برای آن‌ها آیات قرآن را قرائت می‌فرمود؛ اما سرشان را برمی‌گرداندند و اهانت می‌کردند. چنین کسی لیاقت ندارد. حتی گاهی اهانت به جایی می‌رسید که وقتی جلاد بنی‌امیه آیه‌ای از قرآن را می‌خواند که خلاف هواهای نفسانی او بود، هر اهانتی را به قرآن روا می‌داشت. یعنی لیاقت نداشت که اهل قرآن باشد. هرچه انسان جان خود را از بدی‌ها، ظلم، ریا،

۱. همانا ما قرآن را نازل کردیم و یقیناً ما نگهدارنده آن [از تحریف و زوال] هستیم (حجر: ۹).



مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ
وَالَّذِينَ مَعَهُ
أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ
رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ



شُرک، کینه و عداوت نسبت به بندگان خدا، بی رحمی و بی انصافی دور کند، به همان اندازه به قرآن نزدیک می شود و لیاقت درک بهتر قرآن را پیدا می کند.

فرمود هرکس بخواهد می تواند از این ذکر برخوردار شود؛ منتها دوطرفه است: بنده باید بخواهد. خدا هم باید این خواسته را تأیید کند. یعنی باید پرونده مان پیش خدا صاف باشد و مقرب درگاه الهی باشیم. در نماز، روزه و هر کار خیری «قربۀَ إِلَى اللَّهِ» می گوئیم. هرکدام از این «قربۀَ إِلَى اللَّهِ»ها ما را یک قدم به ساحت قدس خدا نزدیک می کند. وقتی نزدیک شویم، خدا دستمان را می گیرد. وقتی ما دوستی مان را به خدا اعلام کنیم، خدا دوستی و محبتش را به ما روزی می کند.

[خداوند] فرمود:

﴿هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ﴾^۱.

اگر کسی اهل تقوا باشد، اهل خدا و عائله و روزی خوار خدا می شود:

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾^۳ ﴿وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾^۴ ﴿وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾^۵ ﴿إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾^۲.

۱. او سزاوار است که از وی پروا کنند و سزاوار است که به آمرزشش امید بندند (مدثر: ۵۶).

۲. چون به پایان زمان [عده] نزدیک شدند، آنان را [با رجوع به زوجیت] به صورتی شایسته [که رعایت همه حقوق همسراری



برای اینکه خدا اهل تقواست. انسان هم اگر اهل تقوا شود، خدایی می‌شود. خدا به او عنایت می‌کند، دستش را می‌گیرد، گناهانش را می‌بخشد و لغزش‌هایش را جبران می‌کند. [حتی] بالاتر از جبران و بخشش: خدا بدی‌هایش را تبدیل به خوبی می‌کند:

﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾^۱.

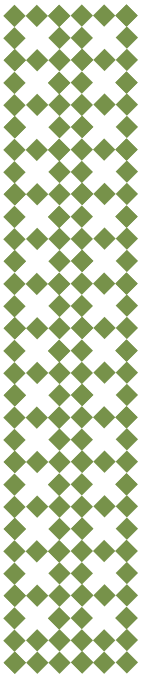
بدی انجام داده است؛ اما این بدی به زیبایی و خوبی تبدیل می‌شود. خدا این کار را می‌کند.

چیستی تقوا در کلام رسول الله ﷺ

حدیثی را از وجود نازنین رسول اکرم، حضرت محمد مصطفی ﷺ [نقل می‌کنم] که تقوا را برای ما معنا می‌کند و چیستی تقوا را بیان می‌فرماید. در این خصوص از محضر نورانی آن حضرت استفاده می‌کنیم. ابن عباس می‌گوید:

قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِينَا حَاطِبًا فَقَالَ فِي آخِرِ حُطْبَتِهِ جَمَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَنَا عَشْرَ خِصَالٍ لَمْ يَجْمَعْهَا لِأَحَدٍ قَبْلَنَا وَلَا تَكُونُ فِي

است] نگه دارید یا از آنان به طرزی شایسته [که پرداخت همه حقوق شرعی است] جدا شوید. [هنگام جدایی] دو عادل از خودتان را گواه [طلاق] بگیرید. [شما ای گواهان!] گواهی را برای خدا اقامه کنید. به وسیله این [حقایق] به کسی که همواره به خدا و روز قیامت ایمان دارد، اندرز داده می‌شود. هرکه از خدا پروا کند، خدا برای او راه بیرون شدن [از مشکلات و تنگناها را] قرار می‌دهد (طلاق: ۲ و ۳).
 ۱ . مگر آنان که توبه کنند، ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند؛ که خدا بدی‌هایشان را به خوبی‌ها تبدیل می‌کند. خدا بسیار آمرزنده و مهربان است (فرقان: ۷۰).



أَحَدٍ غَيْرِنَا فِيْنَا الْحُكْمُ وَالْحِلْمُ وَالْعِلْمُ وَالنُّبُوَّةُ وَالسَّمَاخَةُ وَالسَّجَاعَةُ
وَالْقَصْدُ وَالصِّدْقُ وَالظُّهُورُ وَالْعَفَافُ وَنَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَسَبِيلُ
الْهُدَى وَالْمَثَلُ الْأَعْلَى وَالْحُجَّةُ الْعُظْمَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحَبْلُ الْمَتِينُ
وَنَحْنُ الَّذِينَ أَمَرَ اللَّهُ لَنَا بِالْمَوَدَّةِ ﴿... فَمَا ذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الصَّلَاةُ فَآتَى
تُضْرَفُونَ﴾^۲.

روزی [رسول الله ﷺ در میان ما ایستاد]؛ در حالی که داشت برای ما خطبه می گفت. چه بسا خطبه های حضرت در نماز جمعه بوده است. آخر خطبه این طور فرمود: خدا در ما (پیغمبر و آل پیغمبر ﷺ) ده ویژگی قرار داده است. قبل از ما همه این ده ویژگی در کسی جمع نشده و بعد از ما هم همین طور است. همه این ها با هم در ما فقط وجود دارد. یعنی شما هم اگر می خواهید از این خصلت ها استفاده کنید، از ما تأسی کنید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾^۳.

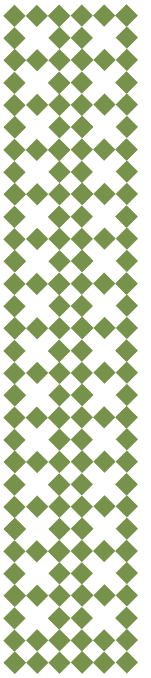
۱ . بخشی از آیه ۳۲ سوره یونس: ﴿فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ، مَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الصَّلَاةُ ، فَآتَى تُضْرَفُونَ﴾؛ ترجمه: این است خدا، پروردگار حقیقی شما. بنابراین آیا بعد از حق چیزی جز گمراهی و ضلالت وجود دارد؟ پس چگونه شما را از حق بازمی گردانند؟
۲ . محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی صدوق (شیخ صدوق)، الخصال، ترجمه محمدباقر کمره ای، ج ۲، تهران: کتابچی، ۱۳۷۷، ص ۱۹۸؛ ترجمه: رسول خدا ﷺ در میان ما ایستاد و نطقی ایراد کرد. در آخر نطق خود فرمود: خدای عز و جل برای خاندان ما، ده خصلت جمع کرده که برای هیچ کس پیش از ما جمع نکرد و در دیگران نخواهد بود: حکمت، حلم، دانش، بخشش، دلبری، عدالت، راستی، پاکی و پارسایی در ماست. ما کلمه تقوا، راه هدایت، نمونه اعلا، حجت عظما، ریسمان مطمئن و رشته محکم هستیم که خداوند به دوست داشتن ما فرمان داده است، پس از حق، چه چیزی جز گمراهی هست؟ به کجا رو می آورید؟
۳ . یقیناً برای شما در [روش و رفتار] پیامبر خدا الگوی نیکویی است برای کسی که همواره به خدا و روز قیامت امید دارد؛ و خدا را بسیار یاد می کند (احزاب: ۲۱).

شما هم اگر می خواهید سیره نبوی را انتخاب کنید، باید بشناسید [که اهل بیت علیهم السلام] چه سیره ای داشتند. حضرت آن ویژگی ها را بیان می کند:

۱. حکم: ((حکم)) در میان ماست؛ یعنی حکمت در اختیار ماست. آن حکمتی که هر قلبی از آن برخوردار نباشد، قلب مرده است، حکمتی که نشانه زنده بودن است و حکمتی که خدا بر اساس رازونیا، عبادت و مراقبت های جدی، روزی دل می کند: ((مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَزْبَعِينَ صَبَاحاً ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.))^۱ اگر کسی چهل شبانه روز خودش را برای خدا خالص کند، چشمه های حکمت از جان و درونش به جوشش درمی آید و بر زبان او جاری می شود. وقتی که اهل حکمت شود، اهل حکومت هم می شود. تنها حکومتی که می تواند مشروعیت داشته باشد، حکومتی است که سرمایه آن از چشمه های حکمت تأمین شود. مرکز حکمت قرآن کریم است. همین قرآن کریم قرآن حکیم است. آدم هایی که صلاحیت حاکمیت دارند و همه هم و غم آن ها قرآن و دین است، این معدن حکمت [را برای ما می گشایند]. آن گونه ای که در امام می دیدیم. امروزه هم خدا به جامعه ما، جامعه جهانی، کشورهای

۱ . ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، تهران: جاویدان، ۱۳۲۴ش، ترجمه: هرکس چهل روز خود را برای خدا خالص کند، چشمه های

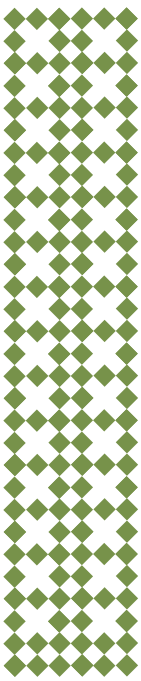
حکمت از قلب وی بر زبانش جاری می شود.



اسلامی و همهٔ فِرَق مسلمان لطف کرده است و رهبر فرزانهٔ قرآنی دائم حقایق حکیمانهٔ قرآن را در همهٔ عرصه های سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی برای ما بیان می فرمایند. این یعنی حکومت بر اساس حکمت، قرآن، دین، عقل و عدل. این ها خیلی عمیق و عجیب هستند. ما [فقط] می خواهیم مرور و یادآوری کنیم. نمی خواهیم تفسیر کنیم. تفسیر هر کلمه واقعاً چندین خطبه لازم دارد.

۲. حلم: ما هم هم اهل حکمت و هم اهل حلم هستیم. حلم یعنی صبوریم و هر چیزی را دیدیم، فوراً به زبان نمی آوریم. خیلی چیزها را در فضای مجازی می بینیم. کسی که حلم ندارد، هر چه ببیند، می گوید یا باور می کند یا ترتیب اثر می دهد؛ اما کسی که حلم دارد، هر چه ببیند به کارخانهٔ عقل، فهم و حکمت می فرستد. آنجا تجزیه و تحلیل می شود. بعد اگر قابل پذیرش باشد می پذیرد و اگر نباشد نمی پذیرد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فقط در خطبهٔ متقین حداقل دو بار علم و حلم را با هم گفته است. اول علم بعداً حلم. یعنی وقتی چیزی را دانستی، باید حلم هم داشته باشی؛ وگرنه ممکن است آن علم آبروی تو یا کس دیگری را ببرد. اما اگر علم تو با حلم [همراه] باشد،



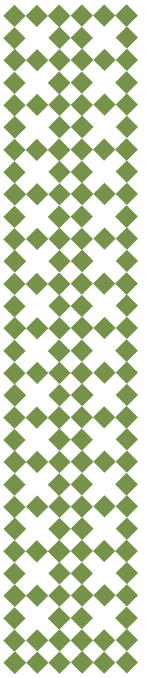
مطلب را می‌پزی و می‌فهمی. آن وقت اگر فریاد بزنی، فریاد تو فریاد [انسان] عدالت خواه و مُصْلِح [خواهد بود]. برای اینکه حلم در کنار حکمت و علم قرار گرفت.

۳. علم: چیزی که پیش ماست علم است. برای اینکه: «الْعِلْمُ نُورٌ يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ.»^۱ علم انبار اطلاعات نیست. این فایده ندارد. به انبار اطلاعات نمی‌شود گفت علم. خیلی‌ها بودند که عنوان‌های جدی علمی داشتند؛ اما در پیشگاه اهل بیت عليهم السلام علم آن‌ها به حساب نمی‌آمد. امام صادق عليه السلام از کسی که چقدر در قرآن شهره بوده است، چند سؤال قرآنی پرسید نقل قول نظریات او در کتاب‌های تفسیری شیعه و سنی آمده است. امام صادق عليه السلام چند سؤال پرسید و او جواب داد. امام جواب او را اصلاح کرد گفت این نیست که تو می‌گویی. جواب چیز دیگری است. امام فرمود:

أَخْبَرَنِي عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - ﴿...وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا...﴾ أَيُّ مَوْضِعٍ هُوَ؟ قَالَ ذَلِكَ بَيْتُ اللَّهِ الْحَرَامِ فَالْتَفَتَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِلَى جُلَسَائِهِ وَقَالَ نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ

۱. امام صادق عليه السلام، مصباح الشریعه، ج ۱، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ق، ص ۱۶؛ ترجمه: علم نوری است خداوند به قلب هرکس که بخواهد می‌افکند.

۲. بخشی از آیه ۹۷ سوره آل عمران: «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِّمَّا يُرَاهِمِينَ، وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا، وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ»؛ ترجمه: در آن نشانه‌هایی روشن [از ربوبیت، لطف، رحمت خدا و از جمله] مقام ابراهیم است و هرکه وارد آن شود در امان است. خدا را حقی ثابت و لازم بر عهده مردم است که [برای ادای مناسک حج] آهنگ آن خانه کنند؛ [البته] کسانی که [از جهت سلامت جسمی و توانمندی مالی و بازبودن مسیر] بتوانند به سوی آن راه یابند. هرکه ناسپاسی ورزد [و از رفتن به آنجا خودداری کند، به خود زیان زده]؛ زیرا خدا از جهانیان بی‌نیاز است.



هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الزُّبَيْرِ وَسَعِيدَ بْنَ جُبَيْرٍ
دَخَلَاهُ فَلَمْ يَأْمَنَا الْقَتْلَ؟ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ^۱.

«وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» یعنی چه؟ گفت یعنی هرکس وارد حریم خانه خدا می شود، جان و مال او در امان است. امام فرمود: چرا ابن زبیر را در خانه خدا کشتند و در امان نبود؟ بعد امام برای او توضیح داد و گفت شرط دارد. شرط آن ما هستیم. اگر ما حکومت کنیم و حکومت بر اساس حکمت باشد، یعنی امام حاکم باشد، آن موقع هرکس وارد خانه خدا شود در امان است. نه اینکه هر ناشایستی آنجا برود، بگوییم خانه خدا در امان است. همانا خودشان ناامنی ایجاد می کنند و کشتار جمعی حجاج را به راه می اندازند. پس علم چیزی است که این ها دارند. هر استاد دانشگاه یا حوزه، هر طلبه یا دانشجو و هر مؤمنی اگر می خواهد علمش معنا پیدا کند، [باید از اهل بیت عليهم السلام تأسی کند]. چیزهایی که در دانشگاه ها و حوزه ها یاد می گیریم، جسم و جسد علم است. روح علم قرآن است، ولایت اهل بیت عليهم السلام و حکمت است. اگر آن روح در جسد علوم حوزوی و دانشگاهی دمیده شود،

۱ . محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۸۷؛ ترجمه: مرا خبر ده از قول حضرت عزّ وجلّ که فرمود: «..وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» آن کدام موضع است که بعد از دخول به آن محل، فرد مأمون و مصون در پناه خدای عزّ وجلّ است؟ ابوحنیفه گفت: آن موضع بیت الحرام است. در آن هنگام امام جعفر صادق عليه السلام روی به حاضران کرد و گفت: شما را قسم به خدای تبارک و تعالی که آیا می دانید عبدالله بن زبیر و سعید بن جبیر هر دو در هنگام ترس و خوف داخل حرم شدند؛ اما مأمون از قتل نگشتند؟ حاضران گفتند به خدا قسم چنین است.

علوم حوزوی و دانشگاهی معنا پیدا می کنند و زنده و مؤثر می شوند. امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ طلبه ای بود که روح حکمت و معرفت را در جسد علوم حوزوی دمید و مصلح شد و جهانی را تغییر داد. رهبر فرزانه انقلاب ما از این جنس است؛ یعنی روح معنویت و حکمت در دانسته های فراوان علمی ایشان دمیده شده است که دل های اهل عالم را تحت تأثیر قرار داده اند. بعدها معلوم می شود که مقاومت اسلامی یعنی چه. موقعی که بر بساط کفر و استکبار جهانی و نفاق بین المللی زلزله بیندازد، مشخص می شود.

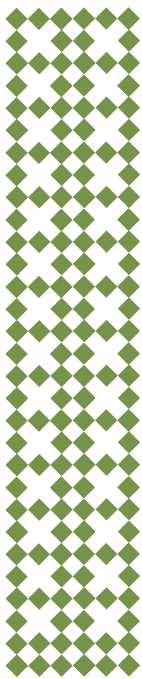
۴. نبوت: نبوت فقط برای ماست. هیچ کس دیگری نبی نیست. حتی بعد از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام هم دیگر نبی نیست. ولی و امام است.

۵. سماحت: ما اهل سماحت هستیم. ((سماحت)) اجمالاً یعنی بذل و بخشش، سهل گیری، سخت نگرفتن، شرح صدر داشتن، همه را جذب کردن و استثنائاً طرد کردن آن هایی که اهلیت جذب ندارند. رهبر فرزانه انقلاب عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: ((جذب حداکثری.)) این باید شیوه ما باشد. در هفته وحدت باید تمام همت ما این باشد که جذب حداکثری داشته باشیم. این زمینه ها را دین برای ما فراهم کرده است. الان در



هفته وحدت هستیم. عزیزی از استان ما خدمت امام جمعه سردشت رفته بود. بعد تماس گرفت. قبلاً هم این ارتباطات بوده است. با ایشان سلام و علیک کردیم. ایشان به ما تبریک گفتند و ما به ایشان تبریک گفتیم. یک راه این است که آن‌ها را جذب کنیم. یک راه آن این است که به جای اینکه حکمت و معرفت بگوییم و قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام را معیار قرار بدهیم، خدای ناکرده با همدیگر بد اخلاقی کنیم. اینکه کاری پیش نمی‌برد، مشکل ایجاد می‌کند.

۶. شجاعت: یکی از چیزهایی که ما داریم شجاعت است. ما یک تهوّر و یک ترس داریم: افراط و تفریط روحیه انسان. آدمی که تفریط می‌کند ترسو می‌شود و آدمی که افراط می‌کند متهور می‌شود. متهور یعنی اصلاً از هیچ چیز نمی‌ترسد. می‌گویی در این جاده ماشین‌ها با صد و بیست کیلومتر می‌آیند. می‌گویند برای من مهم نیست. او متهور است یعنی در همه زمینه‌ها غیرعادلانه عمل می‌کند؛ اما شجاع یعنی کسی که همان جایی می‌ایستد که خدا می‌خواهد. شجاعت برای امیرالمؤمنین، امام حسین و هریک از امامان ماست. هر تصمیمی که گرفتند شجاعانه گرفتند. امام حسن مجتبی علیه‌السلام تصمیم شجاعانه گرفت.



تصمیمات رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ همیشه شجاعانه بود. شجاعت یعنی اگر خواستی چیزی را بگویی، از مردم رودریابستی نکنی و نگویی اگر این را بگویم، همه مردم مخالفت می‌کنند. امیرالمؤمنین فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ، لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ، فَإِنَّ النَّاسَ قَدْ اجْتَمَعُوا عَلَى مَائِدَةٍ شَبَعُهَا قَصِيرٌ وَجُوعُهَا طَوِيلٌ.»^۱ در راه هدایت و درستی نگاه نکنید که چند نفر با شما همراه هستند و چند نفر نیستند. کار خودتان را انجام بدهید. این یعنی شجاعت. اگر همه هم موافق بودند، حرف حق را بزنید. اگر مخالف هم بودند، نشان بدهید که می‌خواهید حرف حق را بیان کنید. این خداست که شما را مدیریت می‌کند و آبرویتان را هم حفظ می‌کند.

۷. قصد: هوشمندی در کار ماست. ما کار را شانسی، الکی و اتفاقی انجام نمی‌دهیم. هر کاری می‌کنیم با قصد هستیم. [مثلاً وقتی] می‌گوییم فلان جا باید شهرکی ساخته شود، هوشمندانه این کار را می‌کنیم. [باید] ببینیم آیا این شهرک آب و زیرساخت [های لازم را] دارد، اصلاً به این شهرک نیاز هست، آیا جای آن حتماً باید در فلان قسمت باشد، نمی‌تواند در قسمت‌های درون شهری جاسازی شود و خیلی از مسائل از این

۱. بخشی از خطبه ۲۰۱ نهج البلاغه: ای مردم! در راه هدایت از کمی اهل آن وحشت نکنید؛ که مردم بر سر سفره ای گرد آمده

اند که زمان سیری آن اندک و مدت گرسنگی آن طولانی است.



دست... شاید به خاطر اینکه برادر بسیار عزیز ما، جناب آقای صباغی^۱ کارشان را شروع کردند، من این را مثال زدم. این‌ها یعنی هوشمندی. اما [گاهی] کاری را شروع می‌کنیم. [مثلاً] در جایی شهرک می‌سازیم. بعداً معلوم می‌شود [شهرک سازی در اینجا] غلط بوده، زمین کشاورزی بوده یا ناحق و ظلم بوده است. عده‌ای هم در آنجا معطل شده‌اند و آن بندگان خدا را هم گرفتار کرده‌ایم. این‌ها مسائل مهمی است. ((قصد)) خیلی موضوع مهمی است. باید راجع به این کلمه پرمحتوا سخنرانی‌ها کرد تا بفهمیم قصد چیست و در زندگی آدم چه کار می‌کند. اگر این کلمه را در همه کارهایمان مدنظر [بگیریم]، در درون ما انقلابی به پا می‌کند. [برای مثال وقتی] دانشجو قبول می‌کنیم باید قصد داشته باشیم؛ یعنی مقصد را بفهمیم: برای چه قبول می‌کنیم؟ آیا این قدر پزشک لازم داریم که دانشجو پذیرفتیم؟ فردا می‌توانیم این‌ها را بر سر کاری بگذاریم؟ آیا این تعداد مهندس لازم داریم؟ یک جا تورم دانشجوی تخصصی و یک جا فقر کارشناس و متخصص داریم؛ به خاطر اینکه قصد را رعایت نکردیم و مقصد را ندیدیم.

۸. صدق: صداقت کار ماست.

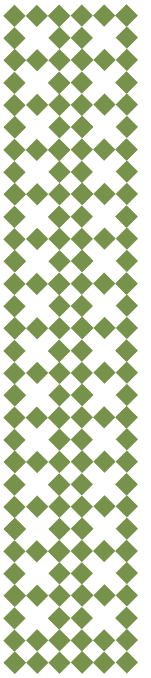
۹. ظهور: مایاک هستیم و هیچ قوقت به آلودگی روی نیاوردیم:

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ
وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ
اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۱

۱۰. عفاف: ما اهل عفاف هستیم. عفت [فقط] به خانم ها اختصاص ندارد. به پوشش هم اختصاص ندارد که فقط بحث حجاب را عفاف بگوییم. حجاب نوعی پوشش است. همان حجاب هم برای آقایان و هم برای خانم هاست. عفاف هم غیر از حجاب و مسائل مربوط به آن در همه زمینها هست: کسی که حریص دنیاست عقیف نیست، مثلاً [در حوزه] اخلاق به ما این طور یاد می دهند که وقتی سر سفره می نشینید، ((عفت بطن)) داشته باشید؛ یعنی حریص وار به جان سفره و مواد غذایی نیفتید. عفت های دیگر را هم وقت دیگری توضیح می دهم.

بعد فرمودند: حقیقت، ظهور و بروز و تجسم تقوا ما

۱ . در خانه هایتان قرار و آرام گیرید و مانند زنان دوران جاهلیت پیشین [که برای خودنمایی با زینت و آرایش و بدون پوشش در همه جا ظاهر می شدند، در میان نامحرمات و کوچه و بازار] ظاهر نشوید. نماز را برپا دارید، زکات بدهید و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید. جز این نیست که همواره خدا می خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت [که به روایت شیعه و سنی محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هستند] برطرف نماید و شما را چنان که شایسته است [از همه گناهان و معاصی] پاک و پاکیزه گرداند (احزاب: ۳۳).



هستیم. تقوا را در ما ببینید. اگر می‌خواهید مقصد هدایت را بروید، راه آن ما هستیم. ما مثل اعلا هستیم که قرآن کریم بدان تشویق فرمود. بزرگ‌ترین حجت خدا در عالم هستی ما هستیم. ریسمان ناگسستگی و مورد وثوق و رشته مستحکم ما هستیم. به ما تمسک کنید. ما همان‌هایی هستیم که خدا سفارش ما را به شما کرد و فرمود نسبت به این خاندان موذت داشته باشید، وابسته و دل بسته این خاندان باشید، دستتان را از دامن آن‌ها نگیرید و همیشه دست به دامن آن‌ها داشته باشید.

بعد حضرت این آیه قرآن را قرائت فرمودند:

﴿فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ ۗ فَأَنْتُمْ تُصِرُّونَ﴾^۱

بعد از حق، غیر از گمراهی چه می‌شود؟ ما باید دنبال حق باشیم. در جلسات گذشته راجع به حق صحبت می‌کردیم. بعد گفتیم برویم سراغ تقوا و ببینیم حق تقوا چیست. بعد گفتیم ببینیم خود تقوا چیست. اینجا تقوا و حق با هم گره خورد. فرمودند ما حق هستیم. اگر ما را رها کنید، بعد از حق، غیر از گمراهی و بدبختی چیست؟

۱ . این است خدا، پروردگار حقیقی شما. بنابراین آیا بعد از حق چیزی جز گمراهی و ضلالت وجود دارد؟ پس چگونه شما را از حق بازمی‌گردانند؟ (یونس: ۳۲).

پس ما را رها نکنید. این طور راهنمایی فرمودند.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

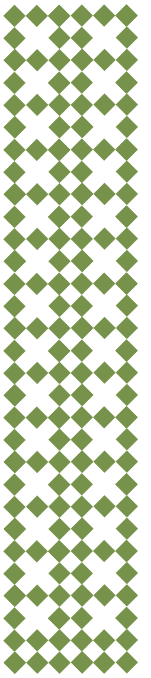
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ ﴿١﴾

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا
بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ



خطبه دوم

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ
الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى
علي اميرالمؤمنين وَعَلَى فاطمة الزهراء سيّدة نساء
العالمين وَعَلَى الحسن والحسين سيّدى شباب اهل
الجنة وَعَلَى علي بن الحسين وَعَلَى مُحَمَّد بن علي
وَعَلَى جعفر بن محمد وَعَلَى موسى بن جعفر وَعَلَى
علي بن موسى الرضا وَعَلَى مُحَمَّد بن علي وَعَلَى علي
بن محمد وَعَلَى الحسن بن علي وَعَلَى الحجة القائم
المنتظر المهدي صلوات الله وسلامه عليهم أَجْمَعِينَ.
اوصيكم عبادالله ونفسي بتقوي الله ونظم أمركم.

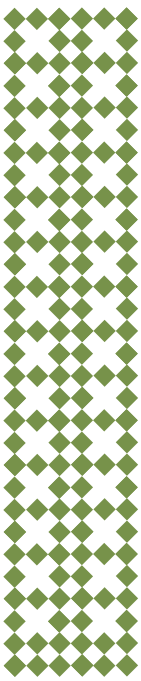
امت اسلام، امت واحده است

در هفته وحدت هستیم. در خطبه دوم این آیات را
یادآوری کنم که خدای متعال فرمود:

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾^۱



۱. بی تردید این [اسلام] آیین [حقیقی] شماس است؛ در حالی که آیینی یگانه است. منم پروردگار شما؛ پس مرا بپرستید (انبیاء: ۹۲).



امت امتِ واحد است. همهٔ زمینه‌هایی که همه با هم باشیم وجود دارد. قبله، خدا، کتاب، نماز و ولایت و امامت ما یکسان است، حتی از نگاه عزیزان اهل سنت. همهٔ شرایط برای یکپارچگی ما وجود دارد. [خداوند فرمود:] فقط مرا عبادت کنید، اگر فقط خدا را عبادت کنیم، هیچ اختلافی بین هیچ کس نیست؛ اما اگر هواوهوس را عبادت کنیم، به تعداد آدم‌ها خدا پیدا می‌شود. خدایی که هواوهوس است. [حتی] بیشتر از تعداد آدم‌ها؛ برای اینکه هواوهوس آدم‌ها هم همدیگر را به یکدیگر دعوت می‌کنند. گاهی یک نفر هم باید هواوهوس خودش را عبادت کند و هم از هواوهوس تعداد دیگری از آدم‌ها اطاعت کند. کار سخت می‌شود. اما اگر خدا را عبادت کنیم، می‌شود یک معبود، معبود شایسته.

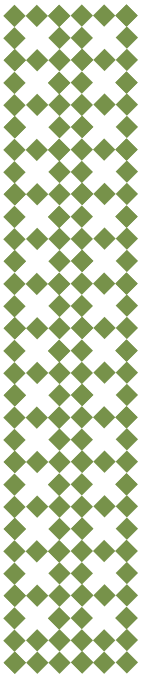
در آیهٔ دیگری فرمود:

﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾^۱

در آیهٔ قبلی (سورهٔ انبیاء) گفت: «(فاعبدون.)» عبادت کنید. عبادت شما را به تقوا ارتقا می‌بخشد. در سورهٔ مؤمنون فرمود: «(فَاتَّقُونِ.)» به تقوا می‌رسید. یا اینکه فرمود:

۱. بی تردید این [اسلام] آیین [حقیقی] شماس است؛ در حالی که آیینی یگانه است. من پروردگار شمایم؛ بنابراین از من پروا کنید

(مؤمنون: ۵۲).



﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾^۱.

بعد در آیه ۱۰۳ فرمود:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾^۲.

حالا که به تقوا رسیدی، مرد میدان جامعه هستی. اگر بی تقوا به جامعه بروی، فساد به پا می کنی، اختلاف به راه می اندازی، به کینه توزی دامن می زنی، دزدی می کنی و بیت المال را به نابودی می کشی؛ اما اگر با تقوا به جامعه بروی، اهل تقوا را پیدا می کنی و امت درست می شود.

در آیه ۱۰۴ می فرماید:

﴿وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۳.

۱ . ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید؛ آن گونه که شایسته پروا از اوست و نمیرید مگر در حالی که [در برابر او و فرمان ها و احکامش] تسلیم باشید (آل عمران: ۱۰۲).

۲ . همگی به ریسمان خدا [قرآن و اهل بیت علیهم السلام] چنگ زنید و پراکنده و گروه گروه نشوید. نعمت خدا را بر خود یاد کنید. آنگاه که [پیش از بعثت پیامبر و نزول قرآن] با یکدیگر دشمن بودید؛ پس میان دل های شما پیوند و الفت برقرار کرد. در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر شدید. بر لب گودالی از آتش بودید؛ پس شما را از آن نجات داد. خدا این گونه، نشانه های [قدرت، لطف و رحمت] خود را برای شما روشن می سازد تا هدایت شوید (آل عمران: ۱۰۳).

۳ . باید از شما گروهی باشند که [همه مردم را] به سوی خیر [اتحاد، اتفاق، الفت، برادری، مواسات و درستی] دعوت نمایند، به کار شایسته و پسندیده وادارند و از کار ناپسند و زشت بازدارند؛ اینان اند که یقیناً رستگارانند (آل عمران: ۱۰۴).

اگر این‌ها را با هم ببینیم، خیلی جذاب و تماشایی می‌شود.

مناسبت‌های هفته

خطبه‌ی اول را طولانی کردم. مناسبت‌های مهمی هست که به اختصار به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنم:

سالروز اولین نماز جمعه‌ی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

سالگرد اولین نماز جمعه توسط رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در این ایام است. همین که به نزدیکی‌های مدینه رسیدند، رعب و وحشت و تهدید کفار و مشرکین کم شد، زمینه تغییر کرد و مردم مدینه آماده بودند از حضرت استقبال کنند، حضرت نماز جمعه را به پا کردند. امام ما هم وقتی تبعید ایشان تمام شد و به مملکت ما برگشتند، در همان اوایل پیروزی انقلاب، اولین اقدام ایشان اقامه‌ی نماز جمعه بود.

سالروز میلاد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

مناسبت دیگر میلاد حضرت ختمی مرتبت رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ است. هفته‌ی قبل همین مناسبت را به جهت اینکه برادران اهل سنت ما دوازدهم ربیع الاول را روز میلاد می‌دانستند، عرض کردیم و تبریک گفتیم. باز هم تبریک عرض می‌کنیم. الحمد لله یک هفته جشن برای میلاد آن حضرت داریم.



سالگرد ولادت امام صادق علیه السلام

ولادت حضرت امام صادق علیه السلام را داریم. یکی از ویژگی‌های امام صادق این است که بیشترین تعداد و حجم روایات ما از آن حضرت است؛ یعنی آنچه فرصت نشد رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان کند و آنچه لازم است در تبیین حقایق قرآنی گفته شود، توسط امام صادق علیه السلام بیان شده و سرمایه عظیم معنوی ماست. تا می‌گوییم سرمایه، ممکن است ذخایر نفت و گاز و معادن و ثروت‌های مربوط به کشاورزی و صنعت به ذهنمان بیاید؛ اما سرمایه [حقیقی] این‌هاست. این‌هاست که دل‌های آدمیان اهل عالم را متوجه جمهوری اسلامی خواهد کرد و زمینه ظهور منجی عالم بشریت را فراهم می‌آورد. چقدر روایات داریم [که با این‌گونه شروع می‌شود:] «قال ابو عبدالله علیه السلام»؛ یعنی امام صادق فرمود. حجم زیادی از روایات ما از آن حضرت و امام باقر علیهما السلام است.

سالگرد شهادت حاج آقا مصطفی، فرزند امام رحمة الله علیه

در این ایام، نسلی که این چیزها را از نزدیک دیدند، تعدادشان کم شده است؛ ولی هستند. وقتی خبر شهادت حاج آقا مصطفی آمد، امام رحمة الله علیه نجف بودند و هنوز به فرانسه نرفته بودند. چه واکنشی نشان



داده شد؟ ما قم بودیم و می دیدیم که در قم چه کار می‌کند. طلبه‌ها آرام و قرار نداشتند و ترس و وحشت را کنار گذاشته بودند. در خیلی از شهرهای دیگر هم به این موضوع اهمیت دادند. آن زمان قزوین هم جزء شهرهایی بود که شجاعان و انقلابیون آن در این زمینه قدم برداشتند. البته دشمن اگر اقدام غلطی کرد، خدا نتیجه بدی بر اقدام غلط آن‌ها بار کرد. آن‌ها خواستند که امام را تمام کنند و بگویند خود او پیر است و از دنیا می‌رود. فرزند او را هم از او می‌گیریم. خود امام رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود: «مصطفی امید آینده اسلام بود.» همین طور هم شد؛ یعنی خدا این آینده نورانی و اقتدار دینی را به خاطر شهادت حاج آقا مصطفی، به امام رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ و علاقه مندان ایشان جایزه داد و انقلاب به پیروزی رسید. خودتان بهتر می‌دانید. اگر انقلاب را تحلیل کنیم، می‌بینیم «یا حسین» [برانگیزاننده] آن شهادت حاج آقا مصطفی بود. با این شهادت مردم بلند شدند و دیگر نشستند. خدا را شاکر هستیم و برای آن عزیز گرامی هم علو درجات را درخواست می‌کنیم.

روز آمار و برنامه ریزی

روز آمار و برنامه ریزی است. هر کار موفق و برنامه حکیمانه ای باید مبتنی بر آمار دقیق باشد. باید موضوع



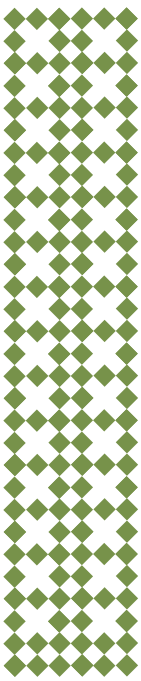
آمار را در میان آحاد مردممان فرهنگ سازی کنیم و خودمان هم تن به آمار بدهیم. مسئولان و مدیران ما، اگر رشته [تحصیلی] آن‌ها هم نبوده است، باید دوره فهم آمار ببینند تا در مدیریت و برنامه ریزی‌هایشان موفق باشند.

سالگرد پایه گذاری مسجدالنبی توسط پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

سالگرد پایه گذاری مسجد مدینه الرسول، مسجدالنبی توسط رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در همان سال اول هجرت است. ما هم می‌گوییم در سال اول [مدیریت] برادر عزیز و گرانقدر، [آقای صباغی] که قبلاً هم ثابت کرده اهل ساخت و ساز مسجد و برنامه های مذهبی است. ان شاءالله بتوانیم مسجدی بزرگ، جامع و مناسب درخور قزوین [داشته باشیم]. همان طور که پیشینیان ما این بنای بابرکت را [ساختند که] از در و دیوار آن معنویت می‌بارد. این آجرها انگار آکنده از ذکر و یاد خدا هستند. ان شاءالله با اخلاص بتوانیم در ادامه همین کارهای ماندگار، مسجد و مصلاهی شایسته ای داشته باشیم.

سالگرد افشاگری امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ راجع به کاپیتولاسیون

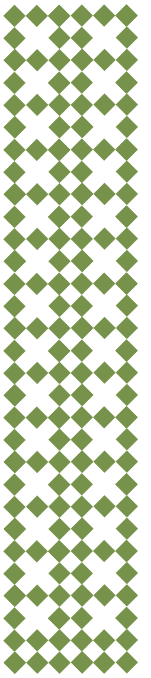
سالگرد افشاگری امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ راجع به کاپیتولاسیون هم هست. امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ قرارداد ننگینی را که [قرار بود] بین رژیم شاهنشاهی [و آمریکا امضا شود] افشا کردند و



توضیح دادند. اصلاً قرارداد نبود. بخش نامه آمریکایی بود. این‌ها هم سرشان را پایین انداختند و نفهمیدند. مثل آن‌هایی که پیمان برجام را امضا کردند و بحث «تعلیق» را که چند بار در آن [تکرار شده بود]، چشمان آن‌ها ندیده بود. این‌ها هم اصلاً نه دیدند و نه فهمیدند. دستوری از طرف آمریکا بود و این‌ها باید اجرا می‌کردند. امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ این را خوب فهمید و به موقع فریاد زد. امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ آبروی آمریکا و نوکران منطقه‌ای او را برد و عزت ما مردم را حفظ کرد. اگر امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ به این قانون اعتراض نمی‌کرد، آبروی همه ما لطمه خورده بود، کرامت انسانی ما شکسته شده بود و ما را پایمال کرده بودند؛ اما وقتی امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ آن فریاد به موقع را سر داد و مردم با معرفت هم با امام هم نوا شدند، به دنیا نشان دادند ما مردم عزتمند و اهل کرامتی هستیم. این‌ها پایه‌های پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۴۲ شد.

سالگرد امضای عهدنامه گلستان

قرارداد گلستان میان ایران و روسیه باز هم از همان قراردادهای ننگینی است که باید همواره شاهد خسارت‌های ناشی از این قراردادهای ناپخته ننگ آلود باشیم.



سالگرد شهادت دکتر فتحی شقاقی

سالگرد شهادت دکتر فتحی شقاقی را هم گرامی می‌داریم. این طور شهادت‌ها زمینه پیوند بین فرق اسلامی و وحدت اسلامی و پیشرفت مقاومت اسلامی به حساب می‌آید.

آغازبه کار سردار صباغی، شهردار جدید قزوین

[به مناسبت] آغازبه کار شهردار محترم در پیاده روی دیروز، به همراه ایشان، استاندار محترم و دیگر مسئولین استانی، همه با هم بر سر مزار شهدای گمنام رفتیم. حیف است بگوییم گمنام؛ زیرا آن‌ها شناخته شده‌ترین‌های عالم هستی هستند. سردار بزرگوار صباغی با حال خوشی با آن‌ها عهد و پیمان بست که من می‌خواهم به این مردم خدمت کنم. در آنجا که شهر جلوی چشم آدم دیده می‌شود، با شهدا عهد و پیمان بستیم. ما خیلی امیدوار هستیم. ان شاءالله شهر ما آینده روشنی از جهات گوناگون داشته باشد.

تودیع و معارفه فرمانده لشکر ۱۶ زرهی،

سرتیب حسین محمدشفیعی

تودیع و معارفه فرمانده مکرم و معزز لشکر ۱۶ زرهی، امیر سرتیب حسین محمدشفیعی را داشتیم. این برادر عزیز و گرامی که الان هم در نمازجمعه خدمت



ایشان هستیم، مسئولیت را به عهده گرفتند و برای فرزندان، سربازان و نظامیان ما سمت پدری پیدا کرده اند. امیدواریم ان شاء الله در انجام رسالت های معنوی خوشحال کننده قلب پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام و امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ و راضی کننده آحاد مردم موفق باشند.

دعای پایانی

پروردگارا! به حق پیغمبر و آل پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ما را از برکات وجودی این خاندان بهره مند بفرما؛

پروردگارا! بلا، بدی، کینه، عداوت و اختلاف را از دل های ما دور کن و وحدت، محبت، دوستی و برادری را بر دل های ما حاکم فرما؛

پروردگارا! سایه عزت و اقتدار رهبر فرزانه انقلاب مُتَّلَّه را بر سر مسلمانان جهان و مستضعفان عالم مستدام بدار؛

ارواح گذشتگان و اموات، ارواح شهیدان و روح امام راحل عظیم الشأن را مهمان سفره انبیا و اولیا عَلَيْهِمُ السَّلَام قرار بده؛

لیاقت انتظار ظهور منجی عالم بشریت را به ما عنایت بفرما.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ
وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ

وَمَغَارِبِهَا تَابِعَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ إِنَّكَ مُجِيبُ
الدَّعَوَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾

اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

